

گزارش میزگرد «جسب زخم»

با حضور جمال رحمتی و هادی حیدری

در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

کاریکاتور محبوب جامعه مهجور دانشگاه

مطبوعاتی، ریسک‌های گرایش حرفه‌ای به این رشته هنری را بالا برده است.» وی با بیان اینکه امنیت حرفه‌ای برای هنرمندان این رشته در حداقل استانداردهای لازم است، تعطیلی مستمر روزنامه‌ها و نشریات، مشکلات اقتصادی مجلات تخصصی و مهم‌تر از آنها عدم وجود یک انجمن صنفی مستقل را از عواملی دانست که کارتون را به عنوان یک «حرفه» در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. حیدری ابراز امیدواری کرد با تاسیس رشته کاریکاتور در دانشگاه‌ها، فعالیت حرفه‌ای برای هنرمندان این رشته از امنیت و آینده مناسبی برخوردار شود.

جمال رحمتی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، طنز را به دو نوع شفاهی و کتبی تقسیم کرد و کاریکاتور را نوعی طنز مکتوب دانست. وی با اشاره به خطرات نوع دوم گفت: «تبعات کار مکتوب، به طور طبیعی بیشتر است. طنز شفاهی، حیطة امنیتی بالایی برای شما دارد. شاید شما خیلی راحت بتوانید در مورد همه مسائل، جوک و لطیفه بگویید و برایتان هیچ اتفاقی نیفتد اما وقتی آنها را به شکل مکتوب درمی‌آورید، دیگر ماجرا متفاوت است.»

رحمتی برای تشریح دیدگاهش به ماجرای روزنامه «ایران» اشاره کرد: «برای مثال می‌توان به ماجرای «روزنامه ایران» در سال ۱۳۸۵ اشاره کرد. کارتونست، کارتونی را کشید که مشکلات زیادی برای او و بخشی از جامعه ایران ایجاد کرد. آن زمان من دبیر سرویس طرح و کاریکاتور روزنامه «شرق» بودم و مطلبی را هم در روزنامه نوشتم اما کارتونست روزنامه ایران در آن زمان، از تبعات مکتوب شدن این شوخی‌های کلامی خبر نداشت.» حمتی همچنین اشاره کرد: «مکتوب شدن یک مفهوم، به نوعی به آن رسمیت می‌دهد و آن را تبدیل به یک موضع رسمی می‌کند. با این‌ نگاه، کاریکاتورست‌های

مطبوعاتی به دلیل آنکه آثارشان مکتوب شده و منتشر می‌شود، می‌تواند تبعات زیادی را برایشان به همراه بیاورد.» جمال رحمتی با اشاره به خط قرمزهای رسمی و عرفی که کارتونست‌ها با آن روبه‌رو هستند، نقش عرف‌های اجتماعی را پررنگ دانست و گفت: «خیلی مواقع احتمال دارد این محدودیت‌ها، شامل سنت و عرف هم بشود یعنی برای محدودیت‌هایی که شاید ساختار سیاسی یک جامعه برای شما ایجاد کند، خط قرمزهایی از جانب عرف، خانواده و جامعه نیز بر هنرمند وارد شود. در این حالت کارتونست مجبور است برای بیان ذهنیت‌های خود یا در نظر گرفتن این شرایط و با رعایت این نکته که یک موضوع به کسی برخورد، روش خاصی برای بیان پیدا کند.»

مخاطرات مکتوب شدن طنز و کاریکاتور

جمال رحمتی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، طنز را به دو نوع شفاهی و کتبی تقسیم کرد و کاریکاتور را نوعی طنز مکتوب دانست. وی با اشاره به خطرات نوع دوم گفت: «تبعات کار مکتوب، به طور طبیعی بیشتر است. طنز شفاهی، حیطة امنیتی بالایی برای شما دارد. شاید شما خیلی راحت بتوانید در مورد همه مسائل، جوک و لطیفه بگویید و برایتان هیچ اتفاقی نیفتد اما وقتی آنها را به شکل مکتوب درمی‌آورید، دیگر ماجرا متفاوت است.»

رحمتی برای تشریح دیدگاهش به ماجرای روزنامه «ایران» اشاره کرد: «برای مثال می‌توان به ماجرای «روزنامه ایران» در سال ۱۳۸۵ اشاره کرد. کارتونست، کارتونی را کشید که مشکلات زیادی برای او و بخشی از جامعه ایران ایجاد کرد. آن زمان من دبیر سرویس طرح و کاریکاتور روزنامه «شرق» بودم و مطلبی را هم در روزنامه نوشتم اما کارتونست روزنامه ایران در آن زمان، از تبعات مکتوب شدن این شوخی‌های

کلامی خبر نداشت.» حمتی همچنین اشاره کرد: «مکتوب شدن یک مفهوم، به نوعی به آن رسمیت می‌دهد و آن را تبدیل به یک موضع رسمی می‌کند. با این‌ نگاه، کاریکاتورست‌های



کاریکاتور مطبوعاتی بررسی	
با حضور:	حسین تیرسینعی، هادی حیدری، جمال رحمتی
تأسیس: ۲۲ آبان ۱۳۸۹، ساعت ۱۶:۰۰	شاهد آئینی: پردیس هنرهای زیبا
انجمن علمی: طراحان پردیس هنرهای زیبا	انجمن علمی: طراحان پردیس هنرهای زیبا
حاضران: آرون آفک، بهمن تاجیان، علی دهشانی، پور کیهان، حسن رحمتی، رامین رحمتی، کوان زارگری، حسین شاکری، حسن گریه‌دار، فیروزه نظری	نگارخانه: پردیس هنرهای زیبا

- در حالی که کارتون‌های مطبوعاتی هادی حیدری برای نمایش بر روی دیوارهای نگارخانه، مجوز دریافت نکرده بود اما با سخنرانی وی در میزگرد بررسی کارتون‌های مطبوعاتی موافقت شده بود.
- کارتون‌های حذف شده حیدری حین سخنرانی او به شکل اسلاید در سالن برای حاضران نمایش داده شد.
- یکی از انیمیشن‌های پخش شده در این مراسم، انیمیشن شهرام ناظری، ساخته بزرگمهر حسین‌پور بود که با تشویق بسیار حاضران مواجه شد.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۶۴ ■ سه‌شنبه ۲۸ دی ۱۳۸۹



عکس: امیر مهدی مصحاحی

ممیزی کنند. نتیجه چنین روندی، ایجاد نوعی بیماری به نام «خودسانسوری» است.» جمال رحمتی نیز در ادامه این سخنان به شکل گرفتن ذائقه مردم توسط مسوولان یک جامعه اشاره کرد و گفت: «عمولاً کارتون‌ها زمانی که می‌خوانند موضوعات سیاسی را مطرح کنند، دچار محدودیت موضوعی می‌شوند. به واقع در چارچوب فضای سیاسی است که شما می‌توانید انتخاب کنید در رابطه با چه چیزهایی کار کنید و در مورد چه عناصری نمی‌توانید کارتون بکشید.» رحمتی نگاه تاریخی جامعه ایران به کارتون و کاریکاتور را نادرست دانست و گفت: «در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، از دیرباز کارتون‌ها و کاریکاتورها از نگاه اغلب سیاستمداران، مساوی با توهین و افترا بوده است. بسیاری از نشریات ما به دلیل انتشار کاریکاتور تعطیل شده‌اند. وقتی برخورد شما با کارتون به گونه‌ای شد که آن را مساوی با توهین دانستید، مردم نیز ناخودآگاه همین ذهنیت را پیدا خواهند کرد.»

حیدری با بیان این نکته که عناصر اعتقادی و محترم برای هر جامعه‌ای وجود داشته و باید احترام آنها را حفظ کرد، گفت: «اگر امری را به شکل غیرمنطقی و خودسانسور مقدس می‌پسند، دیگر نمی‌توانیم به عنوان منتقد به آن نزدیک شویم و منتقدان به آن امور، مورد محدودیت واقع می‌شوند.» رحمتی نیز بر سخنان پیشین خود اضافه کرد: «شاید افرادی یا اقلشاری در یک جامعه تصمیم بگیرند برخی شغل‌ها را به شکلی غیرقابل نقد دریاورند. در این حالت، شواای محدودیت‌هایی که سیاست برای کارتونست ایجاد کرده، خود جامعه نیز محدودیت‌های مضاعف را بر وی تحمیل خواهد کرد.» وی در تشریح دیدگاهش گفت: «به طور مثال، شما به سراغ شغل پرستاری می‌روید و موضوعی را در قالب کارتون مطرح می‌کنید. ناگهان پرستاران به دلیل آنچه توهین به «شغل مقدس پرستاری» می‌دانند، دست به تحصن می‌زنند در حالی که به عقیده من همه شغل‌ها قابل احترامند اما هیچ شغلی، مقدس نیست.»

ماهیت اصلاح‌طلبی کارتونست‌ها
پس از پخش دو کلیپ انیمیشن برای حاضران، هادی حیدری در ادامه مراسم به سوءتفاهم‌هایی که در مورد کارتونست‌ها در جامعه جریان دارد، اشاره کرد و این هنرمندان را صادق‌ترین افراد یک جامعه خواند چراکه به عقیده وی، آنها با نام و امضای رسمی خود و به طور شفاف با انتقاد از کاستی‌ها و کجی‌ها می‌پردازند.حیدری گفت: در واقع کارتونست‌ها انتقاد می‌کنند تا جامعه به اصلاح برسد. به گفته هادی حیدری، نقد کارتونست‌ها به مشکلات جامعه برخاسته از ماهیت اصلاح‌طلبی آنهاست. وی در پایان این بخش از سخنانش اضافه کرد: «بهرغم تلاش‌های فراوان کارتونست‌ها خصوصاً در ۱۳ سال گذشته برای آنکه کارتون و کاریکاتور از سوی مردم و مسوولان به عنوان عنصری «جدی» محسوب شود، همچنان در این زمینه با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم.»

تک‌ستاره‌های نقدپذیر
جمال رحمتی در یکی از مهم‌ترین بخش‌های صحبت‌هایش به وجود برخی چهره‌ها در تاریخ اشاره کرد که خود، بازکننده شرایط نقد در جامعه بودند. رحمتی گفت: «هر سیستم سیاسی، در واقع ظرفیتی برای تحمل آرای شهروندان‌ش دارد. در جامعه ایران، این ظرفیت در مقاطعی از زمان، ورای ساختار سیاسی، متکی به یک فرد است. به طور مثال در زمان انتشار «گل‌آقا»، دکتر حسن حبیبی (معاون اول رئیس‌جمهور)، سوزه دائمی روی جلد و کارتون‌های مجله بود. این به دلیل ظرفیت بالای شخص ایشان بود که به طنزنویسان و کاریکاتورست‌ها اجازه می‌داد به راحتی به وی بپردازند.» وی به حکایتی از دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق اشاره کرد: «در دهه ۱۳۲۰، هرج و مرجی در فضای مطبوعات شکل می‌گیرد. این به خاطر قانونی بود که در مجلس تصویب شد و به واسطه آن همه آدم‌ها در هر شغل و موقعیت در صورت داشتن سن بالای ۳۰ سال و سواد در حد

کارتون‌کند ۱۵



سال‌هاست که در اغلب نمایشگاه‌ها و برنامه‌هایی که هنرمندان طنزنویس یا کاریکاتوربست حضور دارند، شهریار اذاتی هم حضور دارد. او کار هنری نمی‌کند ولی عاشق کاریکاتور و کارتونست‌هاست.اغلب روزنامه‌هایی را که ستون‌های ثابت کاریکاتور دارند، خریداری می‌کند و کاریکاتورها را با ظرافت تمام از روزنامه جدا و در آلبومی جمع‌آوری می‌کند. تقریباً برای تمامی کاریکاتوربست‌های حرفه‌ای آلبومی اینچنینی تهیه کرده به طوری که بعضی از هنرمندان با دیدن آلبوم آثار خودشان متعجب شده‌اند. در عین حال شهریار کتاب‌های ایرانی و خارجی بسیاری در زمینه کاریکاتور دارد و به نوعی یک آرشپو منحصر به فرد و تخصصی که بسیاری از کاریکاتوربست‌ها از وی داشته‌ش را دارند.

–خودت را معرفی کن و بگو که این عشق به کاریکاتور از چه زمانی آغاز شده؟
شهریار اذاتی هشتم، متولد فروردین ۱۳۴۲. اولین دیدار من با کاریکاتور در سال ۱۳۵۵ و زمانی که ۱۳ساله بودم روی داد. پدربزرگم در روستایی در جاده چالوس نزدیک سد کرج منزل و باغ بزرگی داشت. در اتاق مهمانخانه‌شان یک گنجه دیواری بود که داخلش بشقاب و چنگال و لوازم پذیرایی قرار داشت و بالای همین گنجه هم یک کمد دیواری نزدیک به سقف بود که نسخه‌های از مجله توفیق به تاریخ ۱۳۳۷ درونش بود. مجله را برداشتم و با اشتیاق و صفناپذیری آن را ورق زدم. جلد و صفحات آن در اثر مرور زمان آفتاب‌خورده و باران‌دیده بود ولی با این حال چند صفحه سالم داشتند. این نشریه در آن زمان روی علاقه‌مندی من بسیار تاثیر گذاشت ولی تلاش جدی من برای جمع‌آوری و گردآوری این آلبوم‌ها برمی‌گردد به سال ۱۳۶۲ که از آن تاریخ تا به امروز به طور مستمر ادامه یافته است.

–کار و حرفه اصلی شما چیست؟
من فلزکارم. کارهای صنعتی، در و پنجره ساختمان یا حتی قطعات کوچک، یک مدتی اجاق گازسوز درست می‌کردم و حالا هم بنا به پیشنهاد و سفارشات مشتری در و پنجره‌های کوچک و بزرگ هم می‌سازم.

–می‌توانستی عاشق خیلی چیزها باشی. چرا کاریکاتور را انتخاب کردی، چه چیزی در این هنر دیدی که تو را تشویق می‌کرد؟
کاریکاتور دل را شاد می‌کند و این هنر بزرگی است. در جامعه‌ای که ناراحتی‌های زیادی طی مدت زندگی پیش می‌آید این خودش هنر بزرگی است که کسی بتواند کسی را شاد کند خصوصاً با این مشکلاتی که می‌بینیم. کاریکاتور به نوعی دلم را شاد می‌کند. به همین جهت علاقه‌مند و پیگیر آن شدم.

–چطوری این مجموعه‌ها را گردآوری کرده‌ای؟
به تمامی اشکال این مجموعه‌ها را گردآوری کردم. به صورت تکتک یا مجموعه یا اگر بعد از انقلاب کتبی چاپ شده، کمابیش چند درصدی هم کتاب جمع کرده‌ام. از این کار خیلی لذت می‌برم.

–تا حالا می‌دانی که چقدر کار جمع‌آوری کردی؟
تعداد دقیق را نمی‌دانم. تا به حال کاریکاتورهایی که به شکل آلبوم درآوردم حدود ۱۵۰ آلبوم می‌شود که در تمامی قطعه‌ها جمع‌آوری شدند. تعداد آن حداقل شاید به یک میلیون طرح می‌رسد که از طراحان ایرانی و خارجی جمع‌آوری کرده‌ام.

–کاریکاتور کاریکاتوربست‌های خارجی را چگونه جمع‌آوری کردی؟
آثار طراحانی مثل مودریلو، کینو که کتاب‌هایشان را خانه کاریکاتور چاپ کرده. آرس، کلود سر که سه‌الی چهار کتاب داشتند حدوداً از سال ۶۰ به بعد کتاب‌هایی را که چاپ شده کمابیش جمع‌آوری کردم و کتاب‌هایی را که قبل از انقلاب هم منتشر شده‌اند تا حدودی جمع‌آوری کرده‌ام که از جمله می‌توانم به مجموعه کتاب‌های اردشیر محمص اشاره کنم. زمان زیادی را در کتابفروشی‌ها گذراندم و بسیار جست‌وجو کردم و حدوداً نزدیک به ۹۰ درصد مجموعه‌هایم را از کتابفروشی‌های میدان انقلاب تهیه کرده‌ام. و مکرراً سفارش می‌دادم که اگر کتبی در این زمینه‌ها به دست‌شان رسید برایم بگه دارند. تا به امروز و به خاطر اینکه عاشق کاریکاتورم هزینه بسیار زیادی را هم متحمل شده‌ام.

–خط منظر آثاری که جمع‌آوری کرده‌ای هم برایت جذاب بوده است؛ تا به حال از این منظر هم به مجموعه‌هایت نگاه کرده‌ای؟ اینک‌ه در هر دورای چه موضوعی مورد توجه بوده؟

همین‌گونه است. گونه‌های مختلفی را دیدم؛ طنزهای ورزشی، که موضوعات خاص خودش را پوشش می‌دهد، سیاسی، پرتره و هر زمان روزانه که به شکل طرح روز منتشر می‌شوند و مربوط به اخبار روز هستند و به مرور زمان ممکن است از آن تازگی بیفتد. ولی برای من همیشه تازه‌اند چون آنها را جمع می‌کنم. معتقدم تمامی اینها به نوعی تاریخ ایران محسوب می‌شوند



که باید به شکل مناسبی نگهداری شوند. من تلاش زیادی کردم و اینها را به صورت تکتک جمع‌آوری کردم. گرچه آثاری که در یک مجموعه گردآوری کرده‌ام از لحاظ موضوعی به هم مرتبط نیستند و اگر می‌خواستم بین طرح‌ها از لحاظ سبک و موضوع هماهنگی ایجاد کنم شاید سال‌ها زمان لازم بود تا بتوانم مجموعه‌ای را گردآوری کنم. هر چه را که سر راهم قرار می‌گرفت جمع می‌کردم و در دفتر طراحی بزرگی که تهیه کرده بودم می‌چسباند.

–شخصاً دوست داشتی چه تیپ کارهایی را بیشتر جمع‌آوری کنی؟
به کار پرتره علاقه زیادی دارم چرا که وقتی در آن دقیق می‌شوی می‌بینی باید طراح آن اطلاعات وسیعی داشته باشد از آن شخصیتی که شما پرتره آن را می‌بینید و می‌تواند جنبه‌های مختلفی مثل سیاسی یا فرهنگی، علمی و اقتصادی داشته باشد. من قبول ندارم که بعضی از کاریکاتورها شامل مرور زمان می‌شوند وقتی کسی مثل من کارها را جمع می‌کند، این آثار همیشه ماندنی هستند.

–در مورد کارهای با موضوع کدام کارها را می‌پسندی؟
در مجموع تمامی انواع کاریکاتور را دوست دارم ولی طنز سیاه برای من یک لذت دیگری دارد و این به خاطر این است که این نوع آثار در یک آن هم تفکر شما را برمی‌انگیزاند و هم شما را می‌خنداند.

– تا به حال شده خودت هم تمایل داشته باشی کاریکاتور بکشی؟
اتفاقاً بعضی‌ها به من پیشنهاد داده‌اند و گفته‌اند وقتی تو عاشقی به نتیجه می‌رسی ولی من کارم به شکلی است که فرصت آن را پیدا نمی‌کنم. امیدوارم روزی بتوانم در جایی طراحی را ببینم همانند امروز که شما را دیدم. تقریباً هر جایی که گالری یک کاریکاتوربست در آنجا گشایش می‌یابد خود را می‌رسانم و با طراح آن آشنا می‌شوم.

– فکر می‌کنی این کار را تا کجا بتوانی ادامه دهی؟ چه برنامه‌ای برای آن داری؟
تا زمان مرگم مطمئناً ادامه می‌دهم چرا که عاشقانه آن کار را آغاز کرده‌ام و زمانی که به طرح‌ها نگاه می‌کنم احساس بودن، زندگی کردن و نوعی احساس نشاط به من دست می‌دهد. داشتن این انگیزه‌ها برای من کافی بوده تا این‌س کار را دنبال کنم. هنوز به فکر تکمیل این مجموعه‌ها هستم. و زمانی که احساس کردم این کار به نوعی تکمیل شده برای آن برنامه‌هایی دارم.

– چه خاطره‌ای از جمع‌آوری این مجموعه‌ها داری؟
من بعضی از این کارها را دانه به دانه پیدا کرده‌ام و بسیار جست‌وجو کردم. خیابان‌ها و کتابفروشی‌های زیادی را زیر و رو کردم. و اینها به صورت مجموعه‌های آمادگی نبودند که من بتوانم به راحتی آنها را پیدا کنم. بارها شده بود که به خاطر یک نشریه چندین برابر قیمتش هزینه می‌کردم تا آن را پیدا کنم منتها وقتی عاقله داشته باشی‌د این مسائل اهمیت زیادی پیدا نمی‌کنند. می‌خواهم خواهش‌هایم از کاریکاتوربست‌ها داشته باشم و آن این است که در صورت امکان کارهایشان را به صورت مجموعه‌چاپی ارائه کنند چرا که در این صورت این آثار جادوانه می‌شوند و یک عمر می‌مانند و علاقه‌مندیان مثل من هم راحت‌تر مجموعه‌هایی را که دوست دارند، جمع‌آوری می‌کنند.